

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# تحریر الوسيله

کتاب الوکاله – کتاب الاقرار – کتاب الشهادات – کتاب الايمان – کتاب القضاء

ویژه دانشجویان رشته حقوق ، الهیات و معارف اسلامی و داوطلبان آزمونهای ورودی

وکالت مرکز وکلای قوه قضائیه

و

وکالت کانون وکلای دادگستری

مؤلف: دکتر صدیقه گلستان رو



## تحریر الوسيله – صدیقه گلستان رو

نظارت: ..... مهندس شهرام کرمی و مهندس علی اکبر نکوفر  
صفحه آرا: ..... راضیه درستی مطلق  
طرح جلد: ..... مریم مظفری

آدرس : شیراز چهارراه پارامونت ابتدای خیابان قصردشت کوچه ۱

تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲

حضور در کلاس‌های موسسه فاضل بدلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

**شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.**

## سخن مولف:

آنچه در مطالعه متون فقه اهمیت دارد، دست یابی به ترجمه واژه به واژه و در همان حال بیان کننده دقیق مفاهیم است، از آنجا که نقش درس متون فقه در آزمون وکلای قوه قضائیه بسیار مهم است در این کتاب تلاش شده با توجه و مراجعه به منابعی که کتاب «تحریرالوسیله» را شرح نموده اند، ترجمه ای قابل درک از این کتاب ارائه شود و در کنار آن برای هر مسئله پرسش های چهارگزینه ای مطرح شود تا مطلب به طور کامل تفهیم شود. با امید به اینکه مطالعه این کتاب کمک مؤثری در راه پیروزی داوطلبین در این آزمون نماید.

صدیقه گلستان رو

## تقدیم به

**همه آنهایی که در راه استقرار عدالت راستین گام بر می دارند...**





## فهرست مطالب

- فصل اول: تحرير الوسيله؛ كتاب الوكالة..... ١
- فصل دوم: القول فى اليمين..... ٣٩
- فصل سوم: كتاب الإقرار..... ٥٦
- فصل چهارم: كتاب الشهادات..... ٧٩
- فصل پنجم: كتاب القضاء..... ١١٢



## فصل اول: تحریر الوسیله؛ کتاب الوکاله

### اول: کتاب الوکاله

و هی تفویض امر الی الغیر ليعمل له حال حیاته، أو إرجاع تَمَشِيهِ أمر من الأمور إليه له حالها، و هی عقد یحتاج الی إيجاب بكل ما دل علی هذا المقصود، کقوله وکلک أو أنت وکیلی فی کذا أو فوضته إلیک و نحوها، بل الظاهر کفایه قوله: بع داری قاصدا به التفویض المذكور فیہ، و قبول بكل ما دل علی الرضا به، بل الظاهر أنه یکنفی فیہ فعل ما وکل فیہ بعد الإيجاب، بل الأقوی وقوعها بالمعاطاة بأن سلّم إلیه متاعا لیبیعه فتسلّمه لذلك،

بل لا یبعد تحققها بالکتابه من طرف الموکل و الرضا بما فیها من طرف الوکیل و إن تأخر وصولها إلیه مدّه، فلا یعتبر فیها الموالاه بین إيجابها و قبولها، و بالجمله یتسع الأمر فیها بما لا یتسع فی غیرها، حتی أنه لو قال الوکیل: «أنا وکیلک فی بیع دارک» مستفهما فقال: «نعم» صح و تمّ و إن لم نکتف بمثله فی سائر العقود.

«وکالت» سپردن کاری به دیگری است تا آن را در حال حیاتش، برایش انجام دهد؛ یا راه انداختن امری از امور را برای او در حال حیاتش، به او ارجاع دهد. و وکالت عقدی است که به ایجاب احتیاج دارد به هر لفظی که دلالت بر این مقصود نماید مانند قول او «وکالت دادم به تو» یا «تو وکیل منی در این ...» یا «به تو واگذار کردم فروش آن را» و مانند اینها. بلکه ظاهر آن است سخن او: «خانه‌ام را بفروش» در حالی که قصدش این باشد که به او امر فروش خانه سپرده شود برای ایجاب عقد کفایت کند و به قبول احتیاج دارد با هر چیزی که دلالت بر رضایت به آن بنماید، بلکه ظاهر آن است که انجام دادن آنچه که به او وکالت داده شده، بعد از ایجاب، برای قبول، کفایت می‌کند؛ بلکه اقوی آن است که وکالت با معاطات واقع می‌شود، به این صورت که کالایی را برای فروش به او بدهد و او به خاطر آن، آن را تحویل بگیرد.

بلکه بعید نیست که وکالت تحقق پیدا کند با نوشتن از طرف موکل و رضایت به آنچه در آن هست از طرف وکیل اگر چه وصول آن نوشته مدتی به تأخیر بیفتد؛ پس موالات بین ایجاب و قبول آن معتبر نیست. خلاصه، امر در وکالت توسعه دارد به حدّی که در غیر وکالت نیست، حتی اینکه اگر وکیل به طور استفهام و پرسشی بگوید: «آیا در فروش خانه‌ات من وکیل تو هستم؟» پس جواب بگوید: «بلی» صحیح است اگر چه مثل آن را در سایر عقود کافی ندانیم.

۱. آیا وکالت به صورت معاطات محقق محقق می شود؟ مشاوران

- الف) وکالت معاطاتی نافذ نیست.  
ب) اقوی صحت وکالت معاطاتی است.  
ج) وکالت معاطاتی واقع نمی شود.  
د) احتیاط در ترک چنین وکالتی است.

۲. "..... فیها الموالاة بین ایجابها و قبولها" این عبارت درباره عقد وکالت با کدام گزینه کامل

می شود؟

- الف) یُعْتَبَرُ  
ب) یَبْطُلُ  
ج) یَصْبُ  
د) لَا یُعْتَبَرُ

۳. کدام گزینه صحیح است؟

- الف) وکالت احتیاج به ایجاب به لفظی دارد که صریح در عقد وکالت باشد و بدون آن واقع نمی شود.  
ب) قبول وکالت باید لفظی باشد و انجام کار مورد وکالت به عنوان قبول کافی نیست.  
ج) تحقق عقد وکالت با کتابت و نگارش ایجاب از سوی موکل بعید نیست.  
د) اگر وکیل از موکل بپرسد که وکیل تو هستم و موکل تأیید کند برای انشای عقد کفایت نمی کند.

۴. در تعریف وکالت: هی تفویض الامر الی الغير لیعمل له ..... کدام یک عبارت را کامل می کند؟

- الف) حال حیاته  
ب) بعد مماته  
ج) بعد ایجاب  
د) مشروط بوفاته

۵. در وقوع وکالت کدامیک از گزینه های زیر صحیح است؟

- الف) توالی عرفی بین ایجاب و قبول کافی نیست.  
ب) بین ایجاب و قبول موالات شرط نیست.  
ج) به صرف ایجاب وکالت محقق می شود.  
د) موالات بین ایجاب و قبول شرط است.

۶. لو قال الوکیل: «أنا وکیلک فی بیع دارک» مُسْتَفْهِمًا، فقال: نعم. صح و تم کدام گزینه در این باره

صحیح است؟

- الف) اگر وکیل برای فهمیدن به موکل بگوید: من وکیل هستم و او قبول کند، صحیح است.  
ب) وکالت با هر ایجابی واقع نمی شود و باید صریح باشد.  
ج) اگر کسی به دیگری بگوید خانه ام را بفروش به قصد تفویض کار به او، وکالت محقق می شود.  
د) اگر وکیل بپرسد: من وکیل تو در فروش خانه ات هستم و موکل بگوید: بله. صحیح است.

مسألة ۱ يشترط فيها على الأحوط التنجيز بمعنى عدم تعليق أصل الوكالة على شيء كقوله مثلاً إذا قدم زيد أو أهل هلال الشهر وكلتک في كذا، نعم لا بأس بتعليق متعلقها كقوله أنت وكيلی في أن تبیع داری إذا قدم زيد أو وكلتک في شراء كذا في وقت كذا.

مسألة ۱- احتیاطاً در وکالت تنجیز شرط است یعنی معلق نکردن اصل وکالت بر چیزی، مانند قول او مثلاً: «اگر زید آمد یا اگر هلال اول ماه دیده شد تو را در این کار وکیل می‌نمایم». ولی معلق کردن متعلق وکالت اشکالی ندارد. مانند این که بگوید: «تو وکیل منی در اینکه خانه‌ام را در صورتی که زید بیاید بفروشی» یا «وکالت دادم به تو در خریدن فلان چیز در وقت فلان موقع».

#### ۷. کدام گزینه در ایجاب عقد وکالت صحیح نیست؟

الف) أنت وکیل فی أن تبیع داری، إذا قدم زيد.  
ب) بیع داری قاصداً به التفویض المذكور فيه  
ج) وكلتک فی شراء كذا في وقت كذا  
د) إذا أهل هلال الشهر وكلتک فی كذا

#### ۸. با توجه به عبارت «و یصح تعليق التصرف مع ..... الوكالة» کدام گزینه صحیح است؟ مشاوران

الف) بأن يقول: وكلتک فی كذا و لا تتصرف آلاً بعد شهر.  
ب) بأن يقول: وكلتک فی كذا، إن جاء زيداً.  
ج) بأن يقول: وكلتک فی كذا، بقُدوم المسافر.  
د) بأن يقول: وكلتک فی كذا، بطلوع الشمس.

#### ۹. يشترط فيها ..... در وکالت شرط است:

الف) تعليق عقد  
ب) تنجيز عقد  
ج) تصريح در صیغه عقد  
د) تعليق عقد و متعلق عقد

<sup>۱</sup> . علی الاحوط یعنی به احتیاط نزدیک تر است که این کار انجام شود.

مسأله ۲. یشرط فی کُل من الموکل و الوکیل البلوغ و العقل و القصد و الاختیار، فلا یصح التوکیل و لا التوکل من الصبی و المجنون و المکره، نعم لا یشرط البلوغ فی الوکیل فی مجرد إجراء العقد علی الأقرب، فیصح توکیله فیہ إذا کان ممیزاً مراعیاً للشرائط،

و یشرط فی الموکل کونه جائز التصرف فیما و کل فیہ، فلا یصح توکیل المحجور علیه لسهفه أو فلس فیما حجر علیهما فیہ دون غیره كالطلاق،

و أن یكون إیقاعه جائزاً له و لو بالتسبیب، فلا یصح منه التوکیل فی عقد النکاح أو ابتیاع الصید إن کان محرماً، و فی الوکیل کونه متمکناً عقلاً و شرعاً من مباشرة ما توکل فیہ، فلا تصح وكالة المحرم فیما لا یجوز له کابتیاع الصید و إمساکه و إیقاع عقد النکاح.

مسأله ۲- در هر یک از موکل و وکیل، بلوغ و عقل و قصد و اختیار شرط است، پس وکیل نمودن و وکیل شدن بچه و دیوانه و مکره (مجبور) صحیح نیست البته فقط در اجرای عقد، بلوغ در وکیل بنابر اقرب شرط نیست، پس وکیل نمودن بچه در اجرای عقد، صحیح است در صورتی که ممیز بوده و شرایط را مراعات کند.

و در موکل شرط است که در آنچه وکالت می‌دهد، تصرفش در آن جایز باشد؛ پس وکیل گرفتن محجور علیه به خاطر سفاهت یا بی‌پولی (ورشکستگی) در آنچه که در آن محجور شده صحیح نیست بر خلاف آنچه در آن محجور نشده مانند طلاق که می‌تواند دیگری را وکیل کند.

شرط است که واقع ساختن مورد وکالت برایش و لو به تسبیب، جایز باشد، پس وکیل گرفتن شخص در عقد نکاح یا خریدن شکار در صورتی که مُحْرَم باشد صحیح نیست و در وکیل شرط است که تمکن عقلی و شرعی داشته باشد که خودش در آنچه که وکالت پیدا کرده انجام دهد پس وکیل شدن محرم در آنچه که برای محرم جایز نیست صحیح نمی‌باشد مانند خریدن شکار و نگاهداری آن و واقع ساختن عقد نکاح.

۱۰. کدام یک در عقد وکالت در وکیل و موکل شرط نیست؟

الف) بلوغ و عقل      ب) عدم اضطرار      ج) اختیار      د) قصد

۱۱. لا یُصحُّ التوکیل و التوکل من .....

الف) الصبی و المجنون و المکره      ب) الصبی و المضطر و المکره

ج) المجنون و المحجور و المکره      د) من المجنون و المحجور

۱۲. در کدام مورد وکالت به صورت صحیح و نافذ واقع می‌شود؟

الف) موکل بر اصل عقد وکالت اکراه شود.      ب) وکیل بر اصل عقد وکالت اکراه شود.

ج) موکل بر متعلق وکالت اکراه شود.      د) وکیل در حال جنون قبول وکالت کند.

۱۳. وکالت صغیر در عقد وکالت:

الف) مطلقاً صحیح است.      ب) می‌تواند وکیل یا موکل باشد.

ج) فقط می‌تواند موکل باشد.      د) فقط در اجرای عقد می‌تواند وکیل باشد.

۲. علی الاقرب یعنی چند دیدگاه وجود دارد، اما بنابر دیدگاهی که به واقع نزدیک تر است.

۳. یعنی به واسطه، صحیح باشد، محرم خودش نمی‌تواند عقد نکاح کند، پس نمی‌تواند در این مورد وکیل بگیرد.

**۱۴. کدام گزینه صحیح است؟ مشاوران**

- الف) یصح توکیل المحجور علیه لسهه أو فلس فیما حجر علیهما فیه.  
ب) لا تصح وكالة المحجور علیه لسهه أو فلس عن غیرهما ممن لا حجر علیه.  
ج) لا یصح توکیل المحجور علیه لسهه أو فلس فیما حجر علیهما فیه  
د) لا یصح توکیل المحجور علیه لسهه أو فلس فیما لا حجر علیهما فیه

**۱۵. کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران)**

- الف) سفیه می تواند در امور مالی و غیر مالی خود، دیگری را وکیل خود سازد.  
ب) سفیه فقط در امور غیر مالی خود، می تواند دیگری را وکیل خود سازد.  
ج) اگر فردی به فروش اتموبیل خود اکراه شد، به دلیل فقدان اختیار نمی تواند فروش خودرو مزبور را به دیگری وکالت بدهد.

د) سفیه نمی تواند در امور مالی و غیر مالی دیگران وکالت نماید.

**۱۶. آیا قدرت وکیل بر انجام کار مورد وکالت شرط است؟ مشاوران**

- الف) قدرت وکیل بر انجام آن شرط است.  
ب) اگر وقوع آن شرعاً ممکن باشد، قدرت شرط نیست.  
ج) قدرت بالفعل بر انجام مورد وکالت شرط است.  
د) قدرت شرط صحت است.

**۱۷. آیا انتخاب مفلس به عنوان وکیل صحیح است؟ مشاوران**

- الف) در امور غیر مالی صحیح نیست.  
ب) باطل است.  
ج) صحیح است.  
د) وکالت وی در انعقاد عقود صحیح نیست.

**۱۸. کدام وکالت صحیح است؟**

- الف) وکالت شخص مُحرم در نکاح  
ج) وکیل گرفتن محجور برای بیع  
ب) وکالت محرم در خرید شکار.  
د) وکیل گرفتن محجور برای طلاق

**۱۹. کدام وکالت در امور مالی صحیح است؟**

- الف) وکیل و موکل محجور باشند.  
ب) وکیل ورشکسته نیست اما موکل محجور است.  
ج) وکیل ورشکسته است اما موکل محجور نیست.  
د) وکیل و موکل ورشکسته باشند.

مسألة ۳ لا يشترط في الوكيل الإسلام، فتصح وكالة الكافر بل و المرتد و إن كان عن فطرة - عن المسلم و الكافر إلا فيما لا يصح وقوعه من الكافر كابتیاع المصحف لكافر و كاستیفاء حق من المسلم أو مخاصمة معه و إن كان ذلك لمسلم.

مسألة ۳- شرط نیست که وکیل مسلمان باشد، پس وکیل شدن کافر - بلکه مرتد اگر چه فطری باشد - از طرف مسلمان و کافر صحیح است مگر در موردی که وقوع آن از سوی کافر صحیح نیست، مانند خریدن مصحف (قرآن کریم) برای کافر و مانند استیفاءی حقی از مسلمان یا مخاصمه‌ای با او اگر چه برای مسلمان باشد.

۲۰. لا يشترط في الوكيل .....

الف) بلوغ (ب) الاسلام (ج) القصد (د) الايجاب و القبول

۲۱. کدام یک از وکالت های زیر صحیح است؟

الف) وکالت کافر برای خرید مصحف برای کافر

ب) وکالت کافر برای استیفاءی حقی از مسلمان

ج) وکالت مرتد فطری

د) وکالت کافر در مخاصمه با یک مسلمان

۲۲. کدام گزینه غلط است؟ مشاوران

الف) توکیل در فروش مال غیر، باطل است.

ب) توکیل در قبض و اقباض، صحیح است.

ج) توکیل کافر صحیح است.

د) توکیل در فروش مال غیر، به منزله فضولی است.



مسألة ۴ تصح وكالة المحجور عليه لسفّه أو فليس عن غيرهما ممن لا حجرَ عليه.

مسألة ۴- وکیل شدن کسی که جهت سفاهت یا بی‌پولی، محجور شده، از طرف کسی که حجری بر او نیست صحیح است.

مسئله ۵: مواردی که وکیل شدن صغیر جایز است.

مسألة ۵ لو جوزنا للصبي بعض التصرفات في ماله كالوصية بالمعروف لمن بلغ عشر سنين جاز له التوكيل فيما جاز له.

مسألة ۵- اگر برای بچه بعضی از تصرفات را در مالش جایز بدانیم [جایز است که وکیل بگیرد] مانند وصیت کردن به چیز خوب برای کسی که ده‌ساله است، جایز است صغیر می‌تواند در آن کاری که برایش جایز است، کسی را وکیل نماید.

۲۳. درباره وکیل گرفتن از سوی کودک کدام گزینه صحیح است؟

(الف) مطلقاً جایز است.

(ب) با اذن ولی می‌تواند وکیل بگیرد.

(ج) مطلقاً جایز نیست.

(د) در اموری که انجامش از سوی او جایز است می‌تواند برای انجامش وکیل بگیرد.

مسألة ۶ ما كان شرطاً في الموكل و الوكيل ابتداء شرط فيهما استدامة، فلو جُنّا أو أغمى عليهما أو حجر على الموكل فيما وكلّ فيه بطلت الوكالة على الأحوط، و لو زال المانع احتاج عودها إلى توكيل جديد

مسألة ۶- آنچه که ابتداء در موكل و وکیل شرط است در ادامه‌اش هم شرط می‌باشد، پس اگر وکیل یا موكل دیوانه یا بیهوش شوند یا موكل در آنچه که وکالت داده محجور شود وکالت باطل می‌شود علی‌الاحوط (بنابر احتیاط) و اگر مانع برطرف شود برگشتن عقد وکالت به وکالت دادن مجدد احتیاج دارد.

۲۴. بَطَلَتِ الْوَكَالَةُ لَوْ ..... عَلَى الْاِحْوِطِ.

(الف) اَرْتَدَّ الْوَكِيلُ (ب) جُنَّ (ج) لَا أغمى عليهما (د) مَا حَجَرَ عَلَى الْمُوَكَّلِ

۲۵. لَوْ حَجَرَ عَلَى الْمُوَكَّلِ فِيمَا وَكَّلَ فِيهِ ..... وَ لَوْ زَالَ الْمَانِعُ ..... (مُشَاوِرَانِ)

(الف) بطلت الوكالة- احتاج عودها إلى توكيل جديد

(ب) بطلت الوكالة- عاد الممنوع

(ج) بطلت الوكالة على الاقوى- ما احتاج عودها الى توكيل جديد

(د) بطلت الوكالة على الاقوى- عاد الممنوع



مسأله ۸ لو لم بتمکن شرعا أو عقلا من إيقاع أمر إلا بعد حصول أمر غیر حاصل حین التوکیل كتطبيق امرأة لم تكن في حبالته و تزویج من كانت مزوجة أو معتدة و نحو ذلك فلا إشكال في جواز التوکیل فيه تبعا لما تمکن منه، بأن يوكله في إيقاع المرتب عليه ثم إيقاع ما رتب عليه، بأن يوكله مثلا في تزویج امرأة له ثم طلاقها أو شراء مال ثم بیعه و نحو ذلك، كما أن الظاهر جوازه لو وقعت الوكالة على کلی يكون هو من مصاديقه، كما لو وکله على جميع أموره فيكون وکیلا في المتجدد في ملكه بهبه أو إرث بیعا و رهنا و غیرهما، و أما التوکیل استقلالا في خصوصه من دون التوکیل في المرتب عليه ففيه إشكال، بل الظاهر عدم الصحة من غیر فرق بین ما كان المرتب عليه غیر قابل للتوکیل كانقضاء العدة أو قابلا، فلا يجوز أن يوکل في تزویج المعتدة بعد انقضاء عدتها و المزوجة بعد طلاقها، و کذا في طلاق زوجة سینکحها أو بیع متاع سیشتريه و نحو ذلك.

مسأله ۸- اگر شرعا یا عقلا بر واقع ساختن چیزی تمکن نداشته باشد مگر بعد از پیدا شدن چیزی که در وقت وکالت دادن حاصل نیست، مانند طلاق دادن زنی که در حباله<sup>۴</sup> او نیست و تزویج زنی که در ازدواج یا در عده و مانند آن است،

در جواز وکالت دادن در آن به تبع آنچه که متمکن از آن می باشد، اشکالی نیست، به اینکه در ایقاع امر متقدم به او وکالت بدهد سپس ایقاع آنچه که بر آن مترتب است؛ به اینکه به او وکالت بدهد مثلا در تزویج زنی برایش، سپس طلاق آن؛ یا در خریدن مال، سپس در فروش آن و مانند اینها. کما اینکه اگر وکالت کلی به او بدهد که این یکی از مصادیق او باشد، ظاهرا جایز است همانطوری که در همه کارها به او وکالت بدهد، پس در ملک جدید او هم که به هبه یا ارث پیدا شده از نظر فروش و رهن و غیر اینها وکیل می باشد.

و اما به طور استقلال وکیل نمودن او در خصوص امر مترتب بدون آنکه توکیلی در امر متقدم بر آن باشد دارای اشکال است بلکه ظاهرا صحیح نیست چه امر متقدم بر مورد وکالت قابل توکیل نباشد مانند انقضای عده، یا قابل توکیل باشد، پس وکالت دادن به تزویج زن عده دار بعد از پایان عده اش و تزویج زنی که در ازدواج است بعد از طلاقش، جایز نیست و همچنین وکالت دادن در طلاق زوجهای که در آینده به ازدواجش درمی آورد، یا در فروش کالایی که بعدا آن را می خرد و مانند اینها جایز نیست.

### ۳۰. کدام یک از وکالت های زیر صحیح نیست؟

- (الف) وکالت در تزویج زنی که بعدا آن را طلاق دهد.
- (ب) وکالت در خریدن مال و سپس آن را بفروشد.
- (ج) وکالت کلی بدهد در همه اموال که بعد آن ها را بفروشد.
- (د) وکالت در تزویج زنی که شوهر دارد که بعد از طلاقش عقدش کند.

<sup>۴</sup> . منظور از «حباله» عقد نکاح است.

مسأله ۹. يشترط في الموكل فيه أن يكون قابلاً للتفويض إلى الغير بأن لم يعتبر فيه المباشرة من الموكل، فلو تقبل عملاً بقيد المباشرة لا يصح التوكيل فيه، و أما العبادات البدنية كالصلاة و الصيام و الحج و غيرها فلا يصح فيها التوكيل و إن فرض صحة النيابة فيها عن الحي كالحج عن العاجز أو عن الميت كالصلاة و غيرها، فإن النيابة غير الوكالة اعتباراً، نعم تصح الوكالة في العبادات المالية كالزكاة و الخمس و الكفارات إخراجاً و إيصالاً إلى المستحق.

مسأله ۹- شرط است که مورد وکالت قابل واگذاری به دیگری باشد؛ به اینکه مباشرت خود موکل در آن شرط نباشد. پس اگر عملی را قبول کند که مقید به مباشرت خود موکل باشد توكيل در آن صحيح نیست. و اما توكيل در عبادتهای بدنی مانند نماز و روزه و حج و غیر اینها صحيح نیست اگر چه فرضاً نیابت در آنها از زنده صحيح باشد مانند حج از شخص عاجز، یا از میت مانند نماز و غیر اینها؛ زیرا شروط نیابت با وکالت فرق دارد، ولی وکالت در عبادتهای مالی مانند زکات و خمس و کفارات در خارج کردن آن از بقیه اموال و رساندن به مستحق صحيح است.

۳۱. کدام گزینه صحيح است؟ (مشاوران)

- الف) تصح الوكالة في العبادات  
 ب) لاتصح الوكالة في العبادات  
 ج) تصح الوكالة في العبادات البدنية دون المالية  
 د) تصح الوكالة في العبادات المالية دون البدنية
۳۲. يصح التوكيل في .....

- الف) الكفارات  
 ب) حج  
 ج) صيام  
 د) صوم

۳۳. کدام مورد با عبارت زیر منطبق است؟ (مشاوران ۹۸)

- «يشترط في الموكل فيه أن يكون قابلاً للتفويض إلى الغير بأن لم يعتبر فيه المباشرة من الموكل»
- الف) قابل واگذاری بودن مورد وکالت  
 ب) قابل انجام بودن مورد وکالت توسط شخص وکیل  
 ج) اهلیت استیفاء وکیل-عمل حقوقی بودن مورد وکالت  
 د) اهلیت تمتع موکل- اهلیت تمتع و استیفاء وکیل

مسألة ١٠ یصح التوكیل فی جمیع العقود كالبيع و الصلح و الإجارة و الهبة و العارية و الوديعة و المضاربة و المزارعة و المساقاة و القرض و الرهن و الشركة و الضمان و الحوالة و الكفالة و الوكالة و النكاح إيجاباً و قبولاً فی الجمیع و كذا فی الوصية و الوقف و الطلاق و الإبراء و الأخذ بالشفعة و إسقاطها و فسخ العقد فی موارد ثبوت الخيار و إسقاطه، و الظاهر صحته فی الرجوع إلى المطلقة الرجعية إذا أوقعه علی وجه لم يكن صرف التوكیل تمسكاً بالزوجية حتى يرتفع به متعلق الوكالة، و لا یبعد صحته فی النذر و العهد و الظهار،

و لا یصح فی اليمين و اللعان و الإيلاء و الشهادة و الإقرار علی إشكال فی الأخير.

مسألة ١٠- توكیل در تمام عقدها صحیح است مانند بیع و صلح و اجاره و هبه و عاریه و ودیعه و مضاربه و مزارعه و مساقات و قرض و رهن و شرکت و ضمان و حواله و كفالت و نكاح، از ایجاب و قبول در همه اینها؛ و همچنین توكیل در وصیت و وقف و طلاق و ابراء و اخذ به شفعه و اسقاط آن و فسخ عقد در موارد ثبوت خيار و اسقاط خيار، صحیح است. و ظاهراً توكیل در رجوع به زنی که طلاق رجعی داده شده صحیح است در صورتی که طوری آن را واقع سازد که صرف توكیل، تمسک نمودن به زوجیت (رجوع) نباشد که متعلق وکالت از بین برود. و بعید نیست که در نذر و عهد و ظهار صحیح باشد.

ولی در یمین و لعان و ایلاء و شهادت و اقرار صحیح نیست اگر چه در آخری اشکالی هست.

#### ٣٤. کدام گزینه غلط است؟ (مشاوران)

- (الف) یصح التوكیل فی المضاربه  
(ب) یصح التوكیل فی اليمين  
(ج) یجوز التوكیل فی المزارعه  
(د) یجوز التوكیل فی المساقاه

#### ٣٥. وکیل گرفتن در کدام مورد جایز نیست؟

- (الف) نذر و عهد و ظهار  
(ب) سوگند و لعان و ایلاء  
(ج) رجوع در طلاق، سوگند و شهادت  
(د) ابراء و وقف و وصیت

#### ٣٦. کدام گزینه غلط است؟ (مشاوران)

- (الف) یصح التوكیل فی الوصیه  
(ب) یصح التوكیل فی الوقف  
(ج) یصح التوكیل فی الشهاده  
(د) هیچ کدام

#### ٣٧. أى العبارة من العبارات التالية بیان للتوكیل الصحيح؟ (مشاوران ١٤٠٠)

- (الف) یصح التوكیل فی جمیع العقود كالبيع و الصلح  
(ب) یصح التوكیل فی اليمين و اللعان  
(ج) لا یصح التوكیل فی فسخ العقد فی موارد ثبوت الخيار و إسقاطه  
(د) یصح التوكیل فی جمیع العقود كالبيع و أما الصلح فلا یصح فيه

مسأله ۱۱ یصح التوكيل في القبض و الإقباض في موارد لزومهما كما في الرهن و القرض و الصرف بالنسبة إلى العوضين<sup>۵</sup> و السلم بالنسبة إلى الثمن، و في إيفاء الديون و استيفائها و غيرها.  
مسأله ۱۱- توكيل در قبض و اقباض حتی در مواردی که الزامی هستند، صحیح است که اینک در رهن و قرض و صرف نسبت به عوض و معوض، و سلم نسبت به ثمن، و در وفا نمودن دین‌ها و استیفای آنها و غیر اینها.

۳۸. یصح التوكيل في القبض و الاقباض في موارد لزومهما كما في .....

الف) البيع (ب) السلم بالنسبه الى الثمن (ج) الاجاره (د) وكالت

مسأله ۱۲ يجوز التوكيل في الطلاق غائبا كان الزوج أم حاضرا، بل يجوز توكيل الزوجه في أن تطلق نفسها بنفسها أو بأن توكل الغير عن الزوج أو عن نفسها.

مسأله ۱۲- توكيل در طلاق جایز است- شوهر حاضر باشد یا غائب- بلکه وکیل نمودن زوجه در طلاق به اینکه او خودش را طلاق دهد یا دیگری را از طرف شوهر یا از طرف خودش، وکالت دهد. جایز می‌باشد.

۳۹. کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران)

الف) لا یصح التوكيل في الطلاق

ب) يجوز التوكيل في الطلاق

ج) یكره التوكيل في الطلاق

د) لا ینعقد التوكيل في الطلاق

مسأله ۱۳ تجوز الوكالة في حيازة المباح كالاستقاء و الاحتطاب و غیرهما، فإذا و كل شخصا فيها و قد حاز بعنوان الوكالة عنه صار ملكا له.

مسأله ۱۳- وکالت در حیات مباح مانند طلب و تهیه آب و جمع کردن هیزم و غیر اینها جایز است. پس اگر در آنها شخص را وکالت دهد و او به عنوان وکالت از طرف او حیات کند، ملک موکل می‌شود.

۴۰. وکالت در حیات مباحات چه حکمی دارد؟ (مشاوران)

الف) معنا ندارد. (ب) لغو است. (ج) باطل است. (د) صحیح است.

۴۱. کدام گزینه صحیح است؟

الف) لاتصح الوكالة في حيازة المباحات (ب) تجوز الوكالة في حيازة المباحات

ج) لاتجوز الوكالة في حيازة المباح (د) لا تنعقد الوكالة في حيازة المباح

۵. در بیع صرف، قبض و اقباض ثمن و مبیع الزامی است.

۶. پیش فروش

..... متون فقه (تحریر الوسیله)

مسألة ۱۴ يشترط في الموكل فيه التعيين بأن لا يكون مجهولاً أو مبهماً، فلو قال: «وكلتك علي أمر من الأمور» لم يصح، نعم لا بأس بالتعميم والإطلاق كما يأتي.

مسألة ۱۴- شرط است که مورد وکالت تعیین شود، به اینکه مجهول یا مبهم نباشد؛ پس اگر بگوید: «به تو در یکی از کارها وکالت دادم» صحیح نیست ولی عمومیت دادن و اطلاق آن - کما اینکه می‌آید - اشکالی ندارد.

۴۲. در کدام مورد وکالت صحیح است؟

- |                              |                     |
|------------------------------|---------------------|
| الف) وکلتک علی امر من الامور | ب) وکلتک علی امر    |
| ج) وکلتک فی کل اموری         | د) وکلتک ان جاء زید |

مسأله ۱۵ الوکاله إما خاصة و إما عامه و إما مطلقة،

فالأولى ما تعلق بتصرف معين فى شىء معين، كما إذا و كله فى شراء بيت معين، و هذا مما لا إشكال فى صحته،

و الثانية إما عامه من جهة التصرف و خاصة من جهة المتعلق، كما إذا و كله فى جميع التصرفات الممكنة فى داره المعينه

و إما بالعكس كما إذا و كله فى بيع جميع ما يملكه،

و إما عامه من الجهتين كما إذا و كله فى جميع التصرفات الممكنة فى جميع ما يملكه أو فى إيقاع جميع ما كان له فيما يتعلق به بجميع أنواعه بحيث يشمل التزويج له و طلاق زوجته

و كذا الثالثة قد تكون مطلقة من جهة التصرف خاصة من جهة متعلقه، كما لو قال: «أنت وكيلى فى أمر دارى» و كذا لو قال: «أنت وكيلى فى بيع دارى» مقابل المقيد بثمان معين أو شخص معين،

و قد يكون بالعكس كما لو قال: أنت وكيلى فى بيع أحد أملاكى أو فى بيع ملكى،

و قد تكون مطلقة من الجهتين، كما لو قال: «أنت وكيلى فى التصرف فى مالى»

و ربما يكون التوكيل بنحو التخيير بين أمور: إما فى التصرف دون المتعلق، كما لو قال: «أنت وكيلى فى بيع دارى أو صلحها أو هبتها أو إجارتها» و إما فى المتعلق فقط، كما لو قال: «أنت وكيلى فى بيع هذه

الدار أو هذه الدابة أو هذه الفرش» مثلاً، و الظاهر صحة الجميع.

مسأله ۱۵- وكالت یا خاص است و یا عام است و یا مطلق؛

اولی آن است که به تصرف معینی در چیز معینی تعلق یابد، كما اینکه او را در خریدن خانه معینی وكالت دهد. و در صحت این گونه وكالت اشکالی نیست. و دومى یا عام است از جهت تصرف و خاص است از جهت متعلق،

كما اینکه او را در تمام تصرفات ممکن در خانه معینی وكالت دهد. و یا به عکس باشد كما اینکه او را در فروش تمام آنچه را که مالک است وكالت دهد. و یا از دو جهت عام است كما اینکه او را در تمام تصرفات ممکن در

تمام آنچه ملک او است وكالت دهد یا در ایقاع تمام آنچه که برای او است در امرى که جميع انواع آن به او تعلق دارد به طورى که (علاوه بر تصرفات مالى) شامل تزويج برای او و طلاق زوجه اش بشود، به او وكالت دهد. و

همچنین است سومی گاهی از جهت تصرف مطلق است و از جهت متعلق خاص می باشد كما اینکه اگر بگوید: «تو در کار خانه ام وكيل منى» و همچنین اگر بگوید: «تو وكيل منى در فروش خانه ام» مقابل اینکه به ثمن

معینی یا شخص معینی مقید شود. و گاهی بر عکس است كما اینکه اگر بگوید: «تو وكيل منى در فروش يکى از ملكهايم يا در فروش ملكم». و گاهی از دو جهت مطلق است كما اینکه اگر بگوید: «تو وكيل منى در تصرف در

مالم» و گاهی توكيل به نحو تخيير در بين چند امر است. یا در تصرف است - نه متعلق - كما اینکه اگر بگوید: «تو وكيل منى در فروش خانه ام يا در صلح آن يا در هبه يا اجاره آن» و یا فقط در متعلق است كما اینکه اگر

بگوید: «تو وكيل منى در فروش این خانه یا این چهار پا یا این فرش مثلاً» و ظاهراً تمام اینها صحیح می باشند.

۴۳. کدام گزینه صحیح است؟

ب) الوکاله إما خاصة و إما مطلقه

الف) الوکاله إما خاصة و إما عامه

د) الوکاله إما خاصة و إما عامه و إما مطلقه

ج) الوکاله إما خاصة و إما عامه و إما مقیده



**۴۴. إذا وکّله فی جمیع تصرفات الممكنه فی داره المعینه:**

(الف) از هر دو جهت خاص است.

(ب) از جهت تصرف عام و از جهت متعلق خاص است.

(ج) از جهت تصرف عام و از جهت وکالت مطلق است.

(د) خاص از جهت تصرفات و عام از جهت متعلق است.

**۴۵. «تو وکیل من در فروش املاکم هستی»**

(الف) مطلق از هر دو جهت است.

(ب) مطلق از جهت تصرف و مقید از جهت متعلق است.

(ج) توکیل به نحو تخییر است.

(د) از جهت تصرف مقید و از جهت متعلق عام است.

**۴۶. تو وکیل منی در بیع یا هبه یا صلح یا اجاره خانه ام:**

(الف) تخییر در تصرف و تعیین متعلق

(ب) تخییر در تصرف و متعلق

(ج) تخییر در متعلق و تعیین در تصرف

(د) تعیین در تصرف و متعلق

مسألة ۱۶ لا بد أن يقتصر الوکیل فی التصرف فی الموکل فیہ علی ما شمله عقد الوكالة صریحاً أو ظاهراً و لو بمعونة قرائن حالیه أو مقالیه و لو كانت هی العادة الجاریة علی أن التوکیل فی أمر لازمه التوکیل فی أمر آخر، كما لو سلم إليه المبیع و وکله فی بیعه أو سلم إليه الثمن و وکله فی الشراء، و بالجملة لا بد فی صحة التصرف من شمول الوكالة له.

مسألة ۱۶- وکیل در تصرف در مورد وکالت باید اکتفا کند به آنکه عقد وکالت به طور صریح و ظاهر شامل آن شود، و لو به کمک قرائن حال یا گفتار، و لو اینکه این قرینه عادتت جاری باشد که توکیل در امری، لازمه اش توکیل در امر دیگری است؛ كما اینکه مبیع را به او تسلیم نماید و او را در فروش آن وکیل کند یا ثمن را به او تسلیم کند و در خریدن چیزی او را وکیل نماید. و خلاصه در صحت تصرف باید وکالت شامل آن شود.

**۴۷. «لابد أن يقتصر الوکیل فی التصرف فی الموکل فیہ علی ما شمله عقد الوكالة صریحاً أو ظاهراً» با**

**توجه این مطلب:**

(الف) وکیل باید در مورد تصرف آزاد باشد که هر کاری را انجام دهد.

(ب) وکیل باید به انجام کاری که عقد وکالت آن را شامل می شود، اکتفا کند.

(ج) وکیل باید به قرائن و شواهد دقت کند و هر کاری لازم است انجام دهد.

(د) وکیل باید برای هر کاری به قرائن صریح استناد نماید.

مسأله ۱۷ لو خالف الوكيل و أتى بالعمل على نحو لم يشمله عقد الوكالة فإن كان مما يجرى فيه الفضولية كالعقود توقفت صحته على إجازة الموكل، و لا فرق في التخالف بين أن يكون بالمباينة كما إذا و كله في بيع داره فأجرها أو ببعض الخصوصيات كما إذا و كله في بيعها نقدا فباع نسيئة أو بخيار فباع بدونه، نعم لو علم شموله لفاقد الخصوصية أيضا صح في الظاهر، كما إذا و كله في أن يبيع السلعة بدينار فباع بدينارين، فان الظاهر بل المعلوم من حال الموكل أن تحديده من طرف النقيصة لا الزيادة، و من هذا القبيل ما إذا و كله في البيع في سوق معين بثمان معين فباعها في غيره بذلك الثمن، فان الظاهر أن مراده تحصيل الثمن، هذا بحسب الظاهر، و أما الصحة الواقعية فتابعة للواقع، و لو فرض احتمال وجود غرض عقلائي في التحديد لم يجز التعدي، و معه فضولي في الظاهر و الواقع تابع للواقع.

مسأله ۱۷- اگر وكيل مخالفت کند و کاری را انجام دهد که عقد وکالت شامل آن نباشد پس اگر چیزی باشد که فضولی در آن جاری است مانند عقدها، صحت آن بر اجازه موکل توقف دارد و در مخالفت وکیل فرقی نیست بین اینکه مابین و منافی مورد وکالت باشد مثل اینکه او را در فروش خانه‌اش وکیل نموده ولی وکیل آن را اجاره دهد و بین اینکه در بعضی از خصوصیات با مورد وکالت، مخالفت کند مثل اینکه او را وکالت داده که خانه‌اش را نقدی یا با خيار فسخ بفروشد، ولی او به طور نسیه یا بدون خيار بفروش برساند. ولی اگر معلوم باشد که عقد وکالت شامل فاقد خصوصیت هم می‌شود، ظاهرا صحیح است؛ کما اینکه او را وکیل نماید که سلعه‌اش را به یک دینار بفروشد و او به دو دینار بفروش برساند؛ زیرا ظاهر بلکه از حال موکل معلوم است که تحدیدش از طرف نقيصه است نه از طرف زيادی. و از این قبیل است موردی که وکالت بدهد تا در بازار معینی به قیمت معینی بفروشد. ولی وکیل آن را در بازار دیگری به همان قیمت فروخت؛ زیرا ظاهر آن است که منظورش، تحصيل ثمن است، و این به حسب ظاهر است و اما صحت واقعی تابع واقع می‌باشد. و اگر فرض شود که در تحدید موکل (مثلا به بازار معینی) احتمالا غرض عقلائی وجود دارد، تعدی از آن جایز نیست. و در صورت تعدی ظاهرا فضولی است و واقع تابع واقع است.

#### ۴۸. عمل وکیل بر خلاف مورد وکالت چه حکمی دارد؟ (مشاوران)

الف) در ایقاعات باطل و در عقود غیرنافذ است. ب) در ایقاعات غیرنافذ و در عقود باطل است.

ج) باطل است مطلقا د) غیرنافذ است مطلقا

#### ۴۹. اگر شخصی برای فروش خانه وکیل بگیرد اما وکیل خانه را اجاره دهد.

الف) عملش مابین عقد و باطل است. ب) عملش مابین عقد و غیرنافذ است.

ج) عمل در برخی خصوصیات مابین است و صحیح د) عمل صحیح است.

#### ۵۰. در کدام گزینه عمل انجام شده، صحیح است؟

الف) وکیل بگیرد برای فروش خانه به صد میلیون اما وکیل آن را به صد و پنجاه بفروشد.

ب) وکیل بگیرد برای هبه ملک اما وکیل آن را صلح کند.

ج) موکل بگوید به شخص معین و بهای معین بفروش و هدف عقلائی داشته اما وکیل مخالفت کند.

د) وکیل برای فروش به ثمن معین بوده اما او به ثمن پایین تری بفروشد.

**مسألة ١٨** يجوز للولي كالأب و الجد للصغير أن يوكل غيره فيما يتعلق بالمولى عليه مما له الولاية عليه.

مسألة ١٨- برای ولی مانند پدر و جدّ صغیر جایز است [برای او وکیل بگیرد] که دیگری را در آنچه که به «مولى عليه» تعلق دارد از آن چیزهایی که ولی بر آنها ولایت دارد، وکیل نماید.

**٥١. آیا پدر و جد پدری می توانند برای صغیر وکیل بگیرند؟ (مشاوران)**

الف) وکالت از صغیر حتی با اجازه ولی جایز نیست. (ب) پدر میت می تواند، اما جد نمی تواند.

(ج) هر یک تنها در امور مالی می توانند وکیل بگیرند. (د) وکالت با اجازه هر دو صحیح است.

**٥٢. يجوز للولي كالأب و الجد للصغير أن يوكل غيره فيما يتعلق بالمولى عليه مما له الولاية عليه. با توجه به این جمله:**

الف) ولی و پدر می توانند در همه امور برای صغیر وکیل بگیرند.

ب) ولی و پدر می توانند در اموری که بر طفل ولایت دارند برای او وکیل بگیرند.

ج) هیچ یک نمی توانند در امور غیرمالی برای طفل وکیل بگیرند.

د) هر دو با هم باشند می توانند برای طفل وکیل در هر چیزی بگیرند.

**مسألة ١٩** - لا يجوز للوكيل أن يوكل غيره في إيقاع ما توكل فيه لا عن نفسه و لا عن الموكل إلا باذنه، و معه يجوز بكلا النحويين، فان عين أحدهما فهو المتبع، و لا يجوز التعدي عنه، و لو قال مثلاً: «وكلتك في أن توكل غيرك» فهو إذن في توكل الغير عن الموكل، و الظاهر أنه كذلك لو قال: «وكلّ غيرك» و ان لا يخلو من تأمل.

مسألة ١٩- برای وکیل جایز نیست که دیگری را در واقع ساختن آنچه که در آن وکالت دارد- نه از طرف خودش و نه از طرف موکل- وکیل نماید مگر با اذن او و با اذن او هر دو قسم آن جایز می باشد؛ پس اگر یکی از آنها را معین کند باید همان را متابعت نمود و تعدی از آن جایز نیست و اگر بگوید مثلاً: «وکالت دادم به تو که دیگری را وکیل نمایی» این اذن است در توکیل دیگری از طرف موکل، و ظاهراً چنین است در صورتی که بگوید: «دیگری را وکیل نما» اگر چه خالی از تأمل نیست.

**٥٣. لا يجوز للوكيل أن يوكلَ إلا معَ ..... را تکمیل کنید. مشاوران**

الف) مع الشهادة صريحاً (ب) مع الإذن صريحاً

(ج) مع الإيجاب صريحاً (د) هیچکدام

**٥٤. اگر موکل بگوید: " وکلتک فی أن توکلَ غیرک "**

الف) اذن در تصرف است.

ب) اذن در وکیل نمودن از سوی وکیل است.

ج) اذن در وکیل نمودن غیر از سوی موکل است.

د) هیچکدام

۵۵. اگر موکل به وکیل، اذن در توکیل غیر دهد؛ وکیل می تواند:

- الف) از سوی موکل وکیل بگیرد. (ب) از سوی موکل یا خودش وکیل بگیرد.  
ج) از سوی خودش وکیل بگیرد. (د) حق وکیل نمودن غیر را دارد.

۵۶. آیا وکیل حق دارد برای انجام مورد وکالت شخص دیگری را وکیل نماید؟ (مشاوران)

الف) شخصا باید انجام دهد و حق وکیل گرفتن ندارد.

ب) حق دارد بدون اذن موکل هم از طرف او وکیل بگیرد.

ج) وکیل گرفتن در هر حال جایز است.

د) با اجازه موکل می تواند وکیل بگیرد.

مسألة ۲۰ لو كان الوكيل الثانى وكيلا عن الموكل كان فى عرض الأول، فليس له أن يعزله و لا يعزل بانعزاله، بل لو مات يبقى الثانى على وکالته، و لو كان وكيلا عنه كان له عزله، و كانت وکالته تبعا لوکالته، فينعزل بانعزاله أو موته، و لا يبعد أن يكون للموكل عزله من دون عزل الوكيل الأول.

مسألة ۲۰- اگر وکیل دوم، وکیل از طرف موکل باشد در عرض وکیل اول می شود (وکیل دوم از حیث وکالت با وکیل اول یکسان می شود)، پس وکیل اول حق ندارد او را عزل نماید و با عزل شدن اولی (دومی) عزل نمی شود بلکه اگر وکیل اول بمیرد وکالت دومی به حالش باقی می ماند. ولی اگر وکیل دوم از طرف اولی وکیل باشد (وکیل اول) حق دارد او را عزل کند و وکالتش تابع وکالت اولی است پس به عزل شدن اولی یا به مرگ او، (دومی نیز) عزل می شود. و بعید نیست که موکل حق داشته باشد که بدون آنکه اولی را عزل کند، دومی را عزل نماید.

۵۷. اگر وکیل دوم از سوی موکل وکیل باشد کدام گزینه صحیح نیست؟

- الف) کان فی عرض الاول (ب) فليس له أن يعزله  
ج) لا يعزل بانعزاله (د) لومات الاولى يبطل وكالة الثانى

۵۸. اگر وکیل دوم، از سوی وکیل اول باشد، کدام گزینه صحیح است؟

- الف) وکیل اول حق عزل او را ندارد.  
ب) وکالت دومی مستقل است و تابع اولی نیست.  
ج) با مرگ یا عزل اولی وکالت دومی باطل می شود.  
د) موکل حق عزل وکیل دوم را ندارد.

۵۹. کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران)

الف) يجوز للوكيل أن يوكل غيره فى ايقاع ما توكل فيه عن نفسه

ب) لو كان وکیل الثانى وكيلا عن الموكل، تبطل وکالته بموت الوكيل الاول

ج) لو كان وکیل الثانى وكيلا عن الموكل، كانت وکالته تبعا عن الوکاله الوكيل الاول.

د) لو كان وکیل الثانى وكيلا عن الموكل، يكون للموكل عزله من دون عزل وکیل الاول.

مسألة ۲۱ يجوز أن يتوكل اثنان فصاعدا عن واحد في أمر واحد، فان صرح الموكل بانفرادهما أو كان لكلامه ظاهر متبع في ذلك جاز لكل منهما الاستقلال في التصرف من دون مراجعة الآخر، و الا لم يجوز الانفراد لأحدهما و لو مع غيبه صاحبه أو عجزه، سواء صرح بالانضمام و الاجتماع أو أطلق بأن قال مثلا و كلتكما أو أنتما و كيلای و نحو ذلك، و لو مات أحدهما بطلت الوكالة رأسا مع شرط الاجتماع أو الإطلاق المنزل منزلته و بقیت وكالة الباقي لو و كل بالانفراد.

مسألة ۲۱- جایز است که دو نفر و بیشتر در یک چیز از طرف یک نفر وکیل شوند؛ پس اگر موکل صریحا آنها را منفردا وکیل نماید یا کلام موکل ظهور عرفی در انفراد داشته باشد که باید متابعت شود، برای هر کدام از آنها جایز است که در تصرف مستقلا و بدون مراجعه به دیگری عمل نمایند. وگرنه برای هیچ یک از آنها انفراد در عمل مورد وکالت جایز نیست و لو اینکه دیگری غایب یا عاجز باشد- چه به انضمام و اجتماع تصریح کرده باشد یا مطلق گذاشته باشد به اینکه مثلا بگوید: «وکالت دادم به شما» یا «شما دو وکیل من هستید» و مانند اینها- و اگر یکی از آنها بمیرد وکالت به طور کلی در صورتی که اجتماع را شرط کرده یا اطلاقی باشد که به حکم شرط اجتماع باشد، باطل می شود و وکالت شخص باقی مانده- اگر منفردا وکیل شده- باقی می ماند.

#### ۶۰. در تعدد وکیل ، کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) اگر موکل به انفراد تصریح کند یا ظاهراً کلامش انفراد را برساند، هر وکیل می تواند بدون مراجعه به دیگری عمل کند.

ب) اگر تصریح به انضمام و اجتماع شود ، هیچ یک از دو وکیل حق تصرف ندارند حتی با غیبت یا ناتوانی دیگری.

ج) اگر موکل به طور مطلق بگوید شما دو نفر وکیل من هستید، می توانند مستقل عمل کنند.

د) اگر در شرط اجتماع یا اطلاق وکالت دو وکیل، یکی از دو وکیل بمیرد، وکالت دیگری باطل می شود و در انفراد وکالت دیگری باقی می ماند.

۶۱. عبارت «يجوز أن يتوكل اثنان فصاعدا عن واحد في أمر واحد» جواز چه اقدامی را بیان می کند؟  
(مشاوران ۹۸)

الف) دو نفر به طور مجزا، محمود را وکیل در فروش یک خانه کرده اند.

ب) سه نفر وکیل محمود، برای رهن دادن خانه او شده اند.

ج) دو نفر وکیل چند نفر شده اند تا از طرف آنان خانه ای را بفروشند یا اجاره دهند.

د) دو یا چند نفر، دو یا چند نفر دیگر را وکیل در انجام چند عمل می کنند.

مسألة ۲۲ الوکالة عقد جائز من الطرفين، فللوکیل أن یعزل نفسه مع حضور، الموکل و غيبته، و کذا للموکل أن یعزله، لكن انعزاله بعزله مشروط ببلوغة إیاه، فلو أنشأ عزله و لم یطلع علیه الوکیل لم ینعزل فلو أمضى أمرا قبل أن یبلغه و لو یاخبار ثقة کان نافذا.

مسألة ۲۲- عقد وکالت از دو طرف جایز است؛ پس وکیل حق دارد خود را در حضور موکل یا در غیاب او، عزل نماید. و همچنین موکل حق دارد او را عزل نماید؛ لیکن عزل شدن او به عزل کردن موکل، مشروط است که به وکیل برسد، پس اگر عزل وکیل را انشا کند ولی وکیل اطلاعی از آن نداشته باشد عزل نمی‌شود. بنابراین، اگر وکیل انجام دهد امری را که مورد وکالت بوده قبل از آنکه خبر عزلش را بشنود و لو به خبر دادن موثقی، نافذ می‌باشد.

۶۲. کدام گزینه صحیح است؟ مشاوران

الف) وکالت عقدی است لازم از هر دو طرف

ب) وکالت عقدی است لازم از طرف وکیل

ج) وکالت عقدی است لازم از طرف موکل

د) وکالت عقدی است جایز از هر دو طرف

۶۳. الوکالة عقد جائز من الطرفين و للموکل أن یعزل لكن انعزاله مشروطاً.....

الف) بلوغة ایاه      ب) باذنه      ج) تبصریحه      د) باخبار ثقتان

۶۴. اگر موکل، وکیل را عزل کند و او کاری را پیش از رسیدن خبر انجام دهد، عمل او:

الف) باطل است.      ب) موجب ضمان است.      ج) نافذ است.      د) نافذ نیست.

۶۵. کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران)

الف) للموکل أن یعزل الوکیل و هو لا ینعزل بنفس عزله بل ینعزل بعد القبول

ب) فللوکیل أن یعزل نفسه مع حضور الموکل و غيبته

ج) فلو أمضى الوکیل أمرا بعد عزل الموکل لم یکن نافذا

د) فلو أمضى الوکیل أمرا بعد عزل و بلوغة ایاه یكون نافذا

مسألة ۲۳ تبطل الوكالة بموت الوكيل، و كذا بموت الموكل و إن لم يعلم الوكيل بموته، و بعروض الجنون على كل منهما على الأقوى في الإطباقي، و على الأحوط في غيره، و بإغماء كل منهما على الأحوط، و بتلف ما تعلق به الوكالة، و بفعل الموكل - و لو بالتسبيب - ما تعلق به، كما لو و كله في بيع سلعة ثم باعها، أو فعل ما ينافيه كما و كله في بيع شيء ثم أوقفه.

مسألة ۲۳- وکالت به مرگ وکیل و همچنین موکل باطل می‌شود اگر چه وکیل مرگ او را نداند. و بنا بر اقوی به پیدا شدن دیوانگی مستمر و بنا بر احتیاط در غیر چنین دیوانگی (مثلا ادواری) و بنا بر احتیاط به بیهوشی هر یک از اینها و به تلف شدن آنچه وکالت به آن تعلق گرفته است و به انجام دادن موکل و لو به واسطه آنچه را که مورد وکالت است باطل می‌شود؛ کما اینکه به او وکالت بدهد که کالایش را بفروشد، سپس خودش آن را بفروش برساند یا کاری انجام دهد که با وکالت منافات داشته باشد، مثل اینکه او را در فروش چیزی وکیل نماید سپس خودش آن را وقف نماید.

#### ۶۶. کدام گزینه صحیح است؟ مشاوران

- (الف) لا تبطل الوكالة بموت الوكيل  
(ب) تبطل الوكالة بموت الوكيل  
(ج) لا تبطل الوكالة بعروض المجنون  
(د) تبطل الوكالة بمرض الوكيل

#### ۶۷. لا تبطل الوكالة ب ..... مشاوران

- (الف) ارتداد الوكيل  
(ب) تلف ما تعلق به الوكالة  
(ج) فعل الموكل ما تعلق به  
(د) فعل ما ينافيه

#### ۶۸. تبطل الوكالة ..... على الاحوط.

- (الف) بموت  
(ب) باغماء كل منها  
(ج) جنون اطباقي  
(د) بفعل ما تعلق به الوكالة

#### ۶۹. اگر موکل کالايي که وکالت داده برای فروش را ، وقف کند، عمل او:

- (الف) موجب عدم نفوذ وکالت است.  
(ب) فعل ما تعلق به الوكالة است.  
(ج) فعل منافی وکالت  
(د) موجب بطلان وقف است.

#### ۷۰. عبارت «عقدالوكاله جائزٌ تُبطلُ ..... و ..... و ..... من كل واحد منهما.» را تکمیل کنید. (مشاوران)

- (الف) بالموت، فلس، إغما  
(ب) بالموت، جنون، فلس  
(ج) سفه، فلس، الجنون  
(د) بالموت، الجنون، الاغما

#### ۷۱. کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران)

- (الف) و تصح بفعل الموكل ما تعلق به الوكالة كما لو و كله في بيع شيء ثم باعه.  
(ب) و تبطل بفعل الموكل ما تعلق به الوكالة كما لو و كله في بيع شيء ثم باعه.  
(ج) و تصح بفعل الموكل ما تعلق به الوكالة كما لو و كله في بيع شيء و لم يبعه.  
(د) هیچ کدام

۷۲. اگر مالی که مورد وکالت است، تلف شود، وکالت چه حکمی دارد؟ (مشاوران)

الف) وکالت باقی است اما موضوع منتفی است. (ب) وکالت منفسخ می شود.  
ج) وکالت باطل نمی شود. (د) وکیل عزل می شود.

۷۳- در خصوص موضوع مطرح شده، کدام مورد حکم صحیح را بیان می کند؟

«وَكُلَّ عَلِيٍّ حَسَنًا فِي بَيْعِ دَارِهِ. ثُمَّ ابْتُلِيَ عَلِيٌّ بِفَيْرُوسِ كِرُونَا وَ أُغْمِيَ عَلَيْهِ.. بَعْدَ الْإِفَاقَةِ جَاءَ الْحَسَنُ فَقَالَ: صَبَاحَ الْيَوْمِ بَعَثْتُ الدَّارَ». (مشاوران ۹۹)

الف) وکالت باطل شده است.

ب) چون حسین خانه را فروخته است، علی حق فسخ وکالت را ندارد.  
ج) علی می تواند وکالت را فسخ کند.  
د) فروش خانه نافذ است.

۷۴. فی أي مورد لا تبطل الوكالة؟ (مشاوران ۱۴۰۰)

- ۱) عروض الجنون الاطباقي على الوكيل
- ۲) بفعل الوكيل ما تعلقت به الوكالة
- ۳) بفعل الموكل ما تعلقت به الوكالة
- ۴) تلف ما تعلقت به الوكالة

مسألة ۲۴ يجوز التوكيل في الخصومة و المرافعة لكل من المدعى و المدعى عليه، بل يكره لذوى المروءات من أهل الشرف و المناصب الجليلة أن يتولوا المنازعة و المرافعة بأنفسهم خصوصا إذا كان الطرف بذى اللسان، و لا يعتبر رضا صاحبه، فليس له الامتناع عن خصومة الوكيل.

مسألة ۲۴- برای هر یک از «مدعی» و «مدعی علیه»، توكيل در خصومت و مرافعه جایز است بلکه برای صاحبان مروءت از اهل شرف و منصبهای بزرگ مکروه است که خودشان متولی منازعه و مرافعه شوند- خصوصا در صورتی که طرف، بد زبان باشد- و رضایت طرف معتبر نیست، پس حق ندارد از خصومت وکیل خودداری کند.

۷۵. تصدی مخاصمه توسط شخصیت های مهم چه حکمی دارد؟ مشاوران

الف) اشکال دارد. (ب) خلاف احتیاط است. (ج) مکروه است. (د) شایسته است.

۷۶. .... التوكيل في الخصومة و المرافعة لك من المدعى و المدعى عليه.

الف) يكره (ب) لم ينفذ (ج) يبطل (د) يجوز



مسألة ٢٥ وکیل المدعی وظیفته بث الدعوی علی المدعی علیه عند الحاکم، و إقامة البینة و تعدیلها، و تحلیف المنکر، و طلب الحکم علی الخصم و بالجملة کل ما هو وسیلة إلى الإثبات، و وکیل المدعی علیه وظیفته الإنکار، و الطعن علی الشهود، و إقامة بینة الجرح، و مطالبه الحاکم بسماعها و الحکم بها، و بالجملة علیه السعی فی الدفع ما أمکن.

مسألة ٢٥- وظیفه وکیل مدعی این است که نزد حاکم بر مدعی علیه تشریح دعوی نموده و اقامه بینة بر اثبات دعوی نماید و تعدیل آن کند و منکر را قسم دهد و طلب حکم بر طرف دعوا یعنی منکر نماید. و خلاصه هر چیزی که وسیله اثبات دعوی است انجام دهد و وظیفه وکیل مدعی علیه این است که دعوی را انکار نموده و شهود را مورد طعن و خدشه قرار دهد و اقامه بینة جرح و مطالبه حاکم به شنیدن آن و حکم به آن نماید و خلاصه باید تا جایی که ممکن است در دفع دعوی کوشش کند.

٧٧. کدام یک وظیفه وکیل مدعی نیست؟

- (الف) اقامه بینة و تعدیلها  
(ب) انکار  
(ج) تحلیف منکر و طلب الحکم علی الخصم  
(د) بث الدعوی علی المدعی علیه

٧٨. وکیل المدعی علیه وظیفته:

- (الف) الانکار  
(ب) طعن علی الشهود  
(ج) اقامه بینة جرح  
(د) همه گزینه ها

٧٩. با توجه به عبارت زیر، از جمله وظایف وکیل خواهان چیست؟ (مشاوران ٩٨)

«وکیل المدعی وظیفته بث الدعوی علی المدعی علیه عند الحاکم، و إقامة البینة و تعدیلها»

- (الف) اقامه دعوا و اثبات عدالت شهود  
(ب) تفصیل دعوا و درخواست تعدیل بینة خوانده  
(ج) تبیین قلمرو دعوا و درخواست گواهی بر عدالت بینة  
(د) افشا و اقامه دعوا و معرفی شهود

<sup>٧</sup> . تعدیل یعنی دو شاهد بیاورد که شهادت دهند، شهود عادل هستند.

مسألة ۲۶ لو ادعى منكر الدين مثلاً في أثناء مدافعة وكيله عنه الأداء أو الإبراء انقلب مدعيًا و صارت وظيفته وكيله إقامة البينة على هذه الدعوى و غيرها مما هو وظيفته المدعى، و صارت وظيفته خصمه الإنكار و غيره من وظائف المدعى عليه.

مسألة ۲۶- اگر مثلاً منکر دین، در اثنای دفاعیات وکیل، از طرف او ادعا کند که دین را ادا کرده و یا طلبکار او را ابراء نموده است، منکر در این مرافعه تبدیل به مدعی می‌شود و وظیفه وکیلش این می‌شود که بر این ادعا اقامه بینه نماید و چیزهایی دیگری که وظیفه مدعی است و وظیفه طرف دعوا، انکار آن می‌شود و چیزهایی که وظیفه مدعی علیه است.

#### ۸۰. لو ادعى منكر الدين، الاداء أو الإبراء:

- (الف) انقلب مدعيًا  
(ب) بطل الدعوى  
(ج) صارت وظيفته انكار  
(د) انقلب مدعى عليه

مسألة ۲۷ لا يقبل إقرار الوكيل في الخصومة على موكله، فلو أقر وكيل المدعى القبض أو الإبراء أو قبول الحوالة أو المصالحة أو بأن الحق مؤجل أو أن البينة فسقة أو أقر وكيل المدعى عليه بالحق للمدعى لم يقبل، و بقيت الخصومة على حالها سواء أقر في مجلس الحكم أو غيره، و ينعزل بذلك و تبطل وكالته، لأنه بعد الإقرار ظالم في الخصومة بزعمه.

مسألة ۲۷- در دعوا، اقرار وکیل بر علیه موکلش قبول نمی‌شود؛ پس اگر وکیل مدعی اقرار کند به قبض یا ابراء یا قبول حواله یا مصالحه یا اینکه حق دارای مدت است یا بینه فاسق است، یا وکیل مدعی علیه اقرار به حق برای مدعی بنماید، قبول نمی‌شود و دعوا به حال خودش باقی است- چه در مجلس حکم اقرار کند یا در غیر آن- و با این اقرار عزل می‌شود و وکالتش باطل می‌شود؛ زیرا به گمان خودش بعد از این اقرار، او در این دعوا ظالم است.

#### ۸۱. کدام گزینه صحیح است؟ مشاوران

- (الف) اقرار وکیل علیه موکل اگر در دادگاه باشد صحیح و معتبر است.  
(ب) اقرار وکیل علیه موکل بلا اثر است ولی موجب بطلان وکالت است.  
(ج) اقرار وکیل علیه موکل اگر در خارج دادگاه باشد باطل و موجب بطلان وکالت می‌شود.  
(د) اقرار وکیل علیه موکل بلا اثر است و موجب بطلان وکالت نمی‌شود.

#### ۸۲. کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران)

- (الف) ینعزل باقرار الوكيل في الخصومه على موكله  
(ب) لا يقبل اقرار الوكيل في الخصومه على موكله  
(ج) تبطل الوكالة باقرار الوكيل في الخصومه على موكله  
(د) هیچکدام

### ۸۳. عین الجواب الصحیح فی الوکاله؟ (مشاوران ۹۹)

- (الف) لو اقرّ وکیل المدعی علیه بالحقّ للمدعی یقبل و تمت الخصومه، لكن تبطل الوکاله.  
(ب) لایجوز أن یوکلّ اثنین فصاعداً بالخصومه خلاف سائر الأمور. (مسئله ۲۹)  
(ج) یجوز للوکیل بالخصومه الصلح عن الحقّ أو الإبراء منه مطلقاً. (مسئله ۲۸)  
(د) لو افرّ وکیل المدعی أن البینه فسقه لم یقبل منه و بقیت الخصومه و ینعزل الوکیل.

مسأله ۲۸ الوکیل بالخصومه لا یملک الصلح عن الحقّ أو الإبراء منه إلا أن یكون وکیلاً فی ذلك أيضاً بالخصوص.

مسأله ۲۸- کسی که وکیل در خصومت است اختیار صلح از حق یا ابرای از آن را ندارد مگر اینکه به خصوص در این هم وکیل باشد.

۸۴. الوکیل بالخصومه ..... الصلح من الحقّ أو الإبراء منه .... أن یكون وکیلاً فی ذلك أيضاً بالخصوص.  
کدام گزینه عبارت فوق را کامل می کند؟ مشاوران

- (الف) یملک، إلا  
(ب) لا یملک، إلا  
(ج) یملک، حتی  
(د) لا یملک، حتی

مسأله ۲۹ یجوز أن یوکل اثنین فصاعداً بالخصومه کسائر الأمور فان لم یصرح باستقلال کل منهما و لم یکن لکلامه ظهور فیه لم یستقل بها أحدهما، بل یتشاوران و یتبصران و یعضد کل منهما صاحبه و بعینه علی ما فوض إلیهما.

مسأله ۲۹- جایز است که دو نفر و بیشتر را در خصومت، وکیل نماید مانند سایر امور؛ پس اگر به استقلال هر یک از آنها تصریح نکرده باشد و در کلام او ظهوری برای آن نباشد هیچ کدام آنها در عمل مستقل نیستند بلکه با هم مشاورت کرده و همدیگر را روشن و آگاه می نمایند و در آنچه که به آنها سپرده شده همدیگر را تقویت کمک می نمایند.

۸۵. «یجوز أن یوکل اثنین فصاعداً بالخصومه کسائر الامور» این عبارت به کدام گزینه اشاره دارد؟ (مشاوران)

- (الف) هر فرد فقط می تواند دو نفر را وکیل خود نماید نه بیشتر.  
(ب) در خصومت و مرافعه فقط می توان دو نفر را وکیل خود نمود برخلاف سایر امور که محدودیتی ندارند.  
(ج) دو یا چند نفر می توانند به یک نفر وکالت دهند.  
(د) دو یا چند نفر می توانند وکالت امری را از فردی قبول نمایند.